نگاه

استاد رایکارد

آیدین مهاجر

آدم گاهی وقت‌ها از سر عشق، دیوانگی‌هایی می‌کند که ممکن است بعدها برایش گران تمام شود، اما جالب است که بدانیم پیشرفت باشگاه بارسلونا از یک ماجرای عشق و عاشقی شروع شده. ماجرا به اوایل دهه هفتاد برمی‌گردد که مدیرعامل وقت باشگاه بارسلونا دل به یک دختر هلندی عاشق فوتبال داد و بنا بر خواسته‌های او رینوس میشل کبیر را که آن روزها جزء بهترین مربیان فوتبال اروپا بود و یوهان کرویف را که با آک بلندی بازی می‌نظیرش در فوتبال جهان همتا نداشت، به کاتالونیا آورد.

از همان روزها بارسلونا به تیم متفاوتی بدل شد که تکنیک و تاکتیک را با هم به تصویر می‌کشید. تا آن زمان آسیاب بود و رئال مادرید، اما از آن به بعد بارسا هم به یکی از قدرت‌های اروپا بدل شد که با سبکی خاص بازی می‌کرد. گرچه حضور سه ساله رینوس میشل تنها یک مقام قهرمانی را برای این تیم در لالیگا به ارمغان آورد، اما همین حضور سبب پیوند هلندی‌ها و کاتالان‌ها شد که بعدها افتخارات فراوانی را برای باشگاه به ارمغان آورد.

یکی اش آن قهرمانی باشکوه در جام باشگاه‌های اروپا بود که در استادیوم ویمبلی لندن (همان شهری که تیمش امشب حریف بارسا است) رخ داد. یک قهرمانی تمام هلندی، چرا که نه فقط روی نیمکت یوهان کرویف کبیر نشسته بود بلکه گل پیروزی را هم رونالد کومن زده بود، آن هم با شوتی حیرت‌انگیز در دقایق پایانی وقت اضافه. تیم یوهان کرویف کبیر که ستاره‌های دوست داشتنی‌ای مثل میشل لادروپ و هریستو استویچکف و رونالد کومان و خوسه ماریو باکه‌رو و بعدها رومارید داشت، یکی از آن تیم‌های است که مثل هلند سال ۱۹۷۴ بازی‌هایش هنوز از یاد فوتبالی‌ها نرفته است.

بارسا با آمدن ستاره‌هایی مثل کرویف و مارادونا و رومارید در تمام آن سال‌ها جوری بازی می‌کرد که سبک بازی‌اش جزیی از هویت تیم شد. قهرانی تهاجمی و شناور بر پایه پاس کارهای های کوتاه، سریع و ضربدری. برای همین بود که مربیان بعدی که به بارسا آمدند اصلاً فکرش را هم نمی‌کردند که خدای نکرده کسی به دفاع بیندیشند.

بادنان هست که بارسای بابی رابسون با جوانی و رونالدو چه معرکه‌ای به پا می‌کند اما آن دوره را هم که بیشتر از چند سال بازی کرد و چقدر گل می‌زد؟ با یک تیم هم‌ستاره رابسون بازیکن با خاطر داریم و هم تیم عجیب لوئیس ونگال را که هنوز هم می‌گوید دیوانه بود. بارسای ونگال در سومین فصل حضور این مربی هلندی که گرچه قهرمان شد، اما ۱۰۲ گل زد اما تنها دفاعش ۱۲ گل خورد، حتماً می‌دانید که آن روزها شیوه بازی دفاع- ضدحمله مد روز شده بود و کمتر تیمی به اصول فوتبال می‌اندیشید. برای همین هم بود که بارسلونا چندی از اوج فاصله گرفت. اما با آمدن فرانک رایکارد دوباره بارسا به یک تیم درجه یک بدل شد.

زمز موفقیت رایکارد این است که هم در تجربه هایش در پوشان هلند و چه در کارنامه با مربیانی چون رینوس میشل و یوهان کرویف و لوئیس ونگال بهره گرفته و هم از آموزه‌های فوتبال ایتالیا و بازی کردن زیر نظر مربیانی چون آریگو ساکی و فابیو کاپلو. حالا هم حتماً یکی از دلایل موفقیت بارسا این است که تیمی را می‌سازد با کارنامه خوب دفاع کردن هم به اندازه حوب حمله کردن مهم است.

بارسای رایکارد یکی از بهترین تیم‌های تاریخ فوتبال است؛ اما با هم بازیکنان فوق العاده‌ای مثل استاد رایکارد، دکو، مسی، انتوئو و مارکز دارد و هم تماشایی بازی می‌کند.

پس این است عده‌ای هستند که می‌گویند موفقیت‌های باشکوه بارسا برای این است که بازیکنان درجه یکی دارد، اما آیا واقعاً نیروی انسانی بارسا از تیم‌های مثل چلسی و مثلاً بایرن کمتر است؟ البته می‌دانیم که بازیکنانی مثل رونالدینیو هم جند سال بک بار ظهور کنند و برای همین بارسا تیمی خاص خواهد شد اما که چنین بازیکنی را در اختیار دارد، اما تردیدی نیست که نوع بازی اکنی آبازی پوشان کمک فراوانی به رونالدینیو کرده که توانایی هایش را به رخ بکشد. فرض کنید که او در تیمی با میرگری مورینیو بازی می‌کرد، یعنی تیمی که اولویت را بر دفاع قرار می‌دهد تا حمله؟ آنگه آیا اسام می‌توانست اینچنین هنرش را به تصویر بکشد؟

این سئوال را می‌توان دوباره دکو و مسی و انوئو هم پرسید و به جواب رونلدو رسید.

از طرفی هم آدم‌هایی که عاشق بارسلونا هستند می‌دانند که در سه دهه گذشته بهترین بازیکنان فوتبال جهان از کرویف و مارادونا و گری لینیکر تا استویچکف و رومارید و رونالدو و رونالدو همگی روزهایی از بهترین دوران بازیگری شان را در توکمپ از سر گذرانده‌اند، اما بارسا در تمام آن روزها فقط یک بار قهرمان اروپا شده و آن هم اتفاقاً روزی که حریفش سامپدوریا بازیکنان بزرگتری نسبت به بارسا داشته. با این وصف نمی‌توانیم از فرانک رایکارد به راحتی عبور کنیم.

همین که از توانسته از چند بازیکن خاطرهٔ تیمی درجه یک بسازد که از توانایی های بازیکنان بهترین بهره را می‌گیرد نشان می‌دهد که یک مربی بزرگ طرفیم. رایکارد اگر امشب بتواند بارسا را برنده از زمین خارج کند، آنگاه به یک مربی ممتاز بدل می‌شود که به راحتی می‌توانیم، بهش لقب استاد بدهیم. استاد رایکارد.

رونالدینیو: دوست دارم در پاریس قهرمان شوم

بهترین بازیکن جهان تنها یک جام را در کلکسیون افتخارات خود خالی می‌بیند. رونالدینیو امشب این فرصت را دارد تا در پاریس شهری که زندگی در اروپا را از آنجا آغاز کرد قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را نیز به افتخارات خود بیفزاید. رونالدینیو تابستان ۲۰۰۱ از برزیل به اروپا آمد تا در پاری سن‌ژرمن بازی کند. او یک سال و نیم بعد به بارسا پیوست و حالا پس از گذشت بیش از سه سال دوباره به پاریس برگشته است تا در فینال لیگ قهرمانان اروپا مقابل آرسنال بازی کند. «از اینکه دوباره به شهری بازگشته‌ام که علاقه بسیار زیادی به آن دارم بسیار خوشحالم. در پاریس بود که فوتبال خود را در اروپا آغاز کردم و امشب در فینال لیگ قهرمانان در پاریس حضور خواهم داشت. دوست دارم همان طور که اولین باشگاه اروپایی را در پاریس بود بزرگ‌ترین افتخار اروپایی را نیز در پاریس به دست آورم. این نکته انگیزه مرا برای بازی امشب بیشتر کرده است.» حریف امشب بارسا تیمی است که در ده بازی اخیر خود در لیگ قهرمانان اروپا حتی یک گل نیز دریافت نکرده است. آرسنال در حالی که در لیگ برتر انگلیس بازی‌های چندان خوبی انجام نمی‌داد و نتایج خوبی نیز نمی‌گرفت در لیگ قهرمانان هم بسیار عالی بازی می‌کند و هم تیمی نتیجه‌گرا شده است. رونالدینیو در مورد حریف امشب تیمش می‌گوید: «بازی امشب بازی بین دو تیم تهاجمی است که فوتبال را زیبا بازی می‌کنند. اگر واقعیت را بخواهید باید بگویم که از تیم آرسنال می‌ترسم. در تمام بازی‌ها باید مراقب بازیکنان آرسنال باشیم. هر بازیکن این تیم در هر لحظه می‌تواند خطرناک باشد. نباید فقط توجه خود را به آنری معطوف کنیم.» آرسنال در حالی برای اولین بار حضور در فینال لیگ قهرمانان را تجربه می‌کند که در مراحل قبلی برگزیانی مثل رئال مادرید و یوونتوس را در دور رقابت‌ها حذف کرده است. خط دفاع آرسنال نهصد و نوزده دقیقه است که در لیگ قهرمانان گل را دریافت نکرده و همین نکته رونالدینیو را نگران می‌کند: «آرسنال از نظر دفاعی تیمی بسیار قدرتمند است. باید به آنها احترام بگذاریم و در عین حال امیدوار باشیم که خط دفاع و دروازه‌بان این تیم در بازی امشب روی فرم نباشند.» البته اگر آرسنالی‌ها می‌خواهند قدرت تدافعی تیم خود را بسنجند باید دید امشب برابر تهاجمی‌ترین تیم اروپا چه می‌کنند. رونالدینیو می‌گوید همان طور که در بازی‌های قبلی با بازی‌هایی شیوه‌ای تهاجمی در برابر آرسنال قرار خواهیم گرفت. «سبک بازی‌مان را تغییر نخواهیم داد. در فینال امشب هم دقیقاً همان کاری را انجام خواهیم داد که همیشه انجام می‌دهیم. بازی همینگی خود را پیاده می‌کنیم و می‌دانم که موفق به گلزنی نیز خواهیم شد.» رونالدینیو در لیگ قهرمانان امسال هفت گل به تیم رسانده و برای اینکه بتواند عنوان آقای گلی این رقابت‌ها را به دست آورد باید سه گل در بازی امشب بزند تا شوچنکوی ۹ گله رایشت‌سر بگذارد. اتفاقی که رخ دادن آن تقریباً محال است. «امیدوارم امشب شب بارسا باشد. واقعیت این است که اهمیت زیادی به اینکه بهترین بازیکن میدان شوم و یا گلزنی کنم نمی‌دهم. تمام چیزی که امشب دغدغه‌اش هستم این است که به هم‌تیمی‌هایم کمک کنم تا پیروز شویم. اعتماد به نفسی که بازیکنان بارسا به من می‌دهند برایم بسیار ارزشمند است و این کمک می‌کند تا با خیال راحت‌تری بازی کنم.»

بارسا در تابستان ۵ ساله لیگ قهرمانان اروپا تنها یک بار در سال ۹۲ موفق شد تا قهرمانی در معتبرترین جام باشگاهی جهان را جشن بگیرد. اما آرسنال در این ۵ سال حتی یک بار نیز در فینال جام قهرمانان اروپا حضور نداشته است. اما ونگر امیدوار است که در اولین حضور آرسنال در فینال بتواند قهرمانی اروپا را جشن بگیرد. قهرمانی سال گذشته لیورپول دیگر تیم انگلیسی آرسنال را امیدوار کرده است تا انگلیسی‌ها برای دومین فصل پیاپی معتبرترین جام باشگاهی جهان را به چنگ آورند. «حتی برابر بهترین تیم اروپا نیز می‌توانیم برنده شویم. ارسنال تیم را به یک روح واحد تبدیل کرده است. همه با هم خوب هستند و ما یک پدیده‌ایم.»

بازگشت پادشاه به پاریس

اگر کاپیتانی آرسنال در اولین فینال لیگ قهرمانان اروپا به اندازه کافی انگیزه‌بخش نباشد تیری آنری دلیل مضاعفی دارد تا با تمام وجود در فینال امشب به میدان برود. کاپیتان آرسنال دوران کودکی خود را در محله Essonne در حومه پاریس گذراند. آنری همین دوران کودکی اش در پاریس را اصلی‌ترین عامل موفقیتش به عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای می‌داند: «همه چیز را از او دارم. پدرم همیشه از من می‌خواست تا از کارم رضایت کامل نداشته باشم و در پی بهتر شدن پیش بروم.»

من هم هرچقدر بیشتر گل بزنم و خوب بازی کنم باز هم چشم به بازی بعدی دارم و تحت تاثیر کاری که کردم قرار نمی‌گیرم. این طرز فکر من است و همین طرز فکر نیز باعث شده تا به اینجا برسم. دوران کودکی‌ام در شکل گرفتن این طرز فکر نقش بسیار مهمی داشت.»

آنری در مورد فینال امشب می‌گوید: «داستان من در لیگ قهرمانان اروپا شباهت بسیار زیادی به داستان آرسنال دارد. تا پیش از این در لیگ قهرمانان اروپا نتوانستم فراتر از مرحله نیمه نهایی پیشروی کنم. قبل از اینکه به آرسنال بیایم هم همراه با موناکو در لیگ قهرمانان حضور داشتم که با این تیم هم تا مرحله نیمه نهایی توانستم پیشروی کنم.

نه آرسنال تا به حال موفق به قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا شده و نه من تاکنون قهرمانی در این جام را تجربه کرده‌ام. برای امشب یک بازی ویژه نه تنها برای من که برای تمام بازیکنان آرسنال خواهد بود. کاپیتانی آرسنال در یک چنین دیداری آن هم برای من حس خاصی دارد. فینال همیشه در خاطر مردم می‌ماند اما این خاطره زمانی برای شما ماندگارتر خواهد شد که موفق به پیروزی در فینال شوید. هدف ما نیز همین است و می‌خواهیم این کار را انجام دهیم.» اما فینال لیگ قهرمانان در پاریس، شهری که آنری دوران کودکی اش را آنجا گذرانده معنی خاصی دارد: «من در این شهر بزرگ شدم و زمانی که بیست سال داشتم و عضو تیم ملی فرانسه بودم در همین شهر پاریس موفق به کسب عنوان قهرمانی جهان شدم. نمی‌خواهم دروغ بگویم.

دنیای فعلی شما از رویای شما الهام می‌گیرد. درست است که در پاریس مقابل چشم خانواده‌ام بازی می‌کنم اما حضور در فینال لیگ قهرمانان در هرجا که باشد یک اتفاق خاص است که هیچ وقت خاطره آن را فراموش نخواهید کرد. البته از پاریس خاطرات بسیار زیادی دارم. محله‌ای که در آن رشد کردم فاصله زیادی با ورزشگاه استاد دوفرانس ندارد.

در پاریس تیم جهانی را فتح کردم و بازی‌های خوبی در این شهر به همراه تیم ملی فرانسه انجام دادم. البته بازی‌های بدی نیز در خاطرم هست. خاطرات زیادی دارم. از زمانی که همراه با فرانسه در ورزشگاه «استاددوفرانس» قهرمان جام جهانی شدم این ورزشگاه برایم خاطرات زیادی دارد. زمانی که شما در یک ورزشگاه جام جهانی را به دست می‌آورید آن ورزشگاه جای خاصی در خاطرات شما خواهد داشت.

زیبایی استادیوم و یا هر چیزی که در آن هست مدت کوتاهی شما را مسحور خواهد کرد. اما تاریخ استادیوم را تیم‌هایی می‌سازند که در آن بازی کرده‌اند. این کار را با تیم ملی انجام داده و امیدوارم با آرسنال نیز موفق به انجام آن شوم. عجیب خواهد بود که با تیمی غیرفرانسوی بخواهم این کار را انجام دهم اما واقعیت این است که اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کنم.»

حریف امشب آرسنال بارسلونا است که بسیاری عقیده دارند شانس اول قهرمانی در لیگ قهرمانان امسال است. آنری از حریف امشب تیمش اینگونه تجمید می‌کند: «من هم مانند هر فوتبال‌دوست دیگری در جهان از اینکه بازی آنها را از نزدیک می‌بینم بسیار خوشحالم. بارسلونا فوتبال را فوق‌العاده زیبا بازی می‌کند و قادر است در هر لحظه از بازی تیم حریف را نابود کند. آنها در حالی در مرحله نیمه نهایی میلان را از پیش رو برداشتند که برتری چندانی بر حریف قدرتمند خود نداشتند، و حتی می‌توان گفت در مجموع دو بازی میلان بهتر بازی کرد.

اما نبوغ رونالدینیو در یک لحظه نتیجه را رقم زد. با این حال به نظر من دو تیم آرسنال و بارسلونا شایسته حضور در فینال هستند.

> **خلاصه مطلب**
>
> آنری: من هم مانند هر فوتبال‌دوست دیگری در جهان از اینکه بازی آنها را از نزدیک می‌بینم بسیار خوشحالم. بارسلونا فوتبال را فوق‌العاده زیبا بازی می‌کند و قادر است در هر لحظه از بازی تیم حریف را نابود کند. آنها در حالی در مرحله نیمه نهایی میلان را از پیش رو برداشتند که برتری چندانی بر حریف قدرتمند خود نداشتند، و حتی می‌توان گفت در مجموع دو بازی میلان بهتر بازی کرد. اما نبوغ رونالدینیو در یک لحظه نتیجه را رقم زد. با این حال به نظر من دو تیم آرسنال و بارسلونا شایسته حضور در فینال هستند.

بارسا – آرسنال

آخرین تانگو در پاریس

سهیل نوری پناه: پاریس این روزها احتیاجی ندارد که خود را به گونه‌ای مصنوعی جذاب جلوه دهد. چون فینال حماسه لیگ قهرمانان آن چنان اغواکننده و افسونگر خواهد بود که این شهر محتاج به این چیزها نباشد. سران یوفا به آنجا می‌روند با سرهایی افراشته و هیبتی مالامال از غرور و تکبر. . . . چون همه چیز به آرمانی‌ترین شکل خود پیش می‌رود. حتی تا چند ساعت پیش از حماسه بزرگ؛ آنها نه فقط توانسته‌اند تا چند ساعت دیگر – هر چند آن چنان کم هم نیست– به معرض دید عموم قرار می‌گیرد. نمادی که معماران آن سال‌های دور سبک‌سرترین و تیزمرتدترین تیم حال حاضر اسامی– اگر نگوییم اروپا – و دیگر آشیشکت آن نیز بابیات‌ترین و مرحوم‌ترین مجموعه که سال اخیر بتوانستیا خواهند بود. بریتانیا و اسپانیا حال با دیدن اوضاع اسفبار و رقت‌انگیز بزرگترین رقیب اروپایی‌شان در فوتبال بعضی اینتالیا می‌توانند به خود ببالند. ایتالیایی که از فوتبال آن این روزها – و شاید نه فقط این روزها که مدت‌های طولانی تا به امروز!– جز بوی تعفن و گند و کثافت به مشام نمی‌رسد! بوی تعفن‌بار در دل طول این سه سال مد نرو نهایی را در غول فوتبال اروپا تشکیل می‌دهد. به پورتو ۲۰۰۴ و به لیورپول ۲۰۰۵– به رقم آن بازگشت شاعرانه‌ای اس!– قهرمان شان هیچ گاه مورد استقبال مردم قرار نگرفت حتی هواداران‌شان و یک دهه پیش‌ترهست. . . . اما ممکن حتی اگر برای تیمی چون بارسا که برای سرفرازی‌شان در این تیرو قائل شویم باز به این نتیجه می‌رسیم که قهرمانی آرسنال تثبیت می‌شود ۱۰ سال که جایگاه بیوگن ونگر را بدیم و رودرش به شمال لندن آن را آنقدر نبوده است. اما نه. . . . تنها نگرش اعجاب انگیز ونگر و چشم‌های گوم‌برینش در یافتن استعدادهاست نیست که برخی از ما را به آنان متمایل می‌کند. بلکه برلیانی ماندن تیری آنری حضورش در هر میدان ما را ناخودآگاه به سوی خویش جذب می‌کند. و او هم به آن آن شاخص‌های خاص و افزاینده و این جمله حسنه‌ها: گوئیتا تنها یک تیری که خود دیده است! بله! این روزها نه در اروپا و آمریکا و جند کشور حاصب فوتبال که در ایران نیز بارسلونا تمامی تیرو و شخعی به یا ساخته است که گزارنگر گستاخ شیکه سوم سیما از دیدار بارسلونا و بابیه تعبیری دیدار سوپرجام اروپا را رقم زده است. بارسا با فوتبال خاص و هنرمندانه‌ای که از چند هنرمند راستین ایتالیا می‌دهد دل ما را ربوده و تسخیر کرده است. مگر می‌شود رونالدینیو را با توپ در میدان دید و نسبت به او بی‌تفاوت بود. مگر می‌شود از پاس‌های سرگیجه‌آور ژاوی هرناندز به تساهل گذرد کرد. بله! بارسلونا چنین مجموعه‌ای است. خوان لاپورتا که در اولین فرصت تیم قدرت گیرد، نزدیک تیرین دوستان زندگی‌اش –مانند سادرو رامل– رانیز از دست رفته دیده است بیش از هر کسی در کاتالونیا آرزو داد تا از آنها «بارسلونای» پیروز استاد دوفرانس لقب گیرد. سه سال برنامه هدفمند. برنامه‌ای که سال نخستش به رغم استارت مناسبی کننده اینو سال دوم تیم را به تنگه قهرمانی حاتمه یافت و در سال نهم نیز تیم قهرمانی لالیگا. . . . همان قهرمانی که ایسلی بعض در سومین سال اش نیز تکرار شد و حال می‌رود برای تنها کسیوز این سال اخیرش بعض چنگ آویخته بر جام پیشکوه لیگ قهرمانان اروپا. . . . همان جام افسونگری که تنها چند نفر می‌توانند در کاتالونیا و از میان مردم طعم آن را به روشنی برایتان تفسیر کنند. کاستی چون یک گوارلدوپا، خوسه مارلیا و، میشل آنخل نادال، چیکی گیپرسیون، آلبرت فرر و، یوزه سالرکستان و خولیو سالینس.

وظیفه شناور پوپول

بله! بر روی کاغذ نیز این دو غول چه اندازه دلفریب است! اما حیف. . . . کافی است در دیدار تخیلی و اندیشه فقط برای مدتی با هدف «با نگاه بدبینانه فکر کردن» جدا شویم و با واقعیات روبه‌رو شویم. قحطی گل آن هم در مسابقه‌ای که در دو سوی آن دو مجموعه قرار دارند که بی‌شک زیباترین بازی‌ها را در ۱۰ سال اخیر خرد و خواه ارائه می‌دهند! بله! گمی نگران کننده است که حتی بتن لمز سوز ستاره نایابیز این روزهای فوتبال اروپا نیز پاسخ تیمی آخرین بازی‌اش به توپ را در دروازه تیمش دید کی و کجا بوده. . . . ! و دیگر اینکه مدافعان بارسا نیز سال اخیر دیگر بازیکنان برجسته‌ای نیستند. آن هم در مقابل یک دوجین جواهری که فوتبال را جز حمله تیمی نمی‌داند – شاید کمی مبالغه کرده‌ایم!. . . . رونالدینیو، انوئو، دکو، جیلبرتو و لاری سامبی هاو بر سکی از بهترین نیروهای تهاجمی فوتبال هستند. اما در آن سوی میدان نیز کارلوس پویول نیک می‌داند که فوتبال تنها یک ساحری نیست برای آنری که وجود دیده است! پویول یک تنه رامسین از ایالت کاتالونیا است. لازم نیست تا زمان ایاتی رهبری‌اش در میدان مسابقه بازبوند او که منتش به پچچم کاتالونیاست و احت وجود کنید. او از آن دسته مردانی است که رهبر و سردسته به نبز آماده اند. یعنی آفریده شده‌اند تا دیگران را هدایت کنند. یکی مثل لوئیس اکریکو که گذشته‌ای بسیار تزیک! تنها روزی را که پویول کنار او باید دیده است بی‌شکی زمانی بوده که او در او به‌ها حوته کاتالونیا در آستانه ۱۲ سالگی در تدارک جشن قهرمانی مجموعه رویایی پوپول کوریف فدار داشت. ۱۴ سال گذشته و کلیلی‌ای در آن به یوهان کرویف کبیر گذشته‌اند اما هنوز هم همان